

MEMNERISM

منزیت

هادی خاوری

رشد آموزش هنر
۲۶
دوره‌ی چهارم شماره‌ی ۴
تابستان ۱۳۸۶

و ترکیب‌بندی‌ها، حالت‌ها و ژست‌های غیرواقعی، تماماً پیچیده و درهم بودند [کرامتی، ۱۳۷۳: ۲۸].

معماری منزیت به سبب عدول از قواعد کلاسیکی تعادل، نظم و هماهنگی، با معماری رنسانس تفاوت داشت. هم‌چنین، به لحاظ آن که تمامی عناصر را در الگوهای یکدست و پویا ادغام نمی‌کرد، از معماری بارک متمایز بود. طرح میکلائو برای دهلیز کتاب‌خانه‌ی لرننتو در فلورانس (۱۵۲۳) را می‌توان پیش‌درآمدی برای معماری منزیت دانست، ولی آثار جولیو رمانو نمونه‌های شاخصی از این سبک معماری بودند. در واقع، او با بنا کردن «پالاتو دل تو» (در مانتوآ)، الگویی برای معماران سده‌ی شانزدهم پدید آورد که نه فقط در ایتالیا، بلکه در انگلستان و فرانسه پذیرفته شد [پاکباز، ۱۳۷۹: ۵۴۳].

زیرنویس
Mennerism. ۱

منابع

۱. پاکباز، رویین. دایره‌المعارف هنر (نقاشی، پیکره‌سازی و هنر گرافیک). انتشارات فرهنگ معاصر. تهران، ۱۳۷۹.
۲. چیلوز، ایان؛ آرنورن، هارولد و دیگران. سبک‌ها و مکتب‌های هنری. تدوین و ترجمه‌ی فرهاد گشایش. عقاب. تهران، ۱۳۸۰.
۳. کرامتی، محسن. آشنایی با سبک‌های هنری جهان. انتشارات بهار. تهران، ۱۳۷۳.

دیوارنگاره‌های پیشین، سرمشقی برای تفسیری جدید و شخصی از اصول طبیعت‌گرایی یافتند. اینان، به جای آن که پژوهش‌های پیشین در عرصه‌ی طبیعت و ظاهر طبیعی امور را دنبال کنند، با تکیه بر اندیشه‌ی نوافلاطونی، به جست‌وجوی صور مثالی پرداختند.

شوق ابداع، آنان را به تحریف صور طبیعی کشاند و نتیجتاً، غرابت و تصنع در کارشان رخ نمود. شگردهای خاص نقاشان منزیت، چون درازنمایی پیکره‌ها، حرکت‌های پرپیچ و تاب، اختلاف تناسب‌ها و قیاس‌ها، رنگ‌های نامالیم، شلوغی و نبود تقارن در ترکیب‌بندی، یکسره با منطق زیبایی‌شناسی رنسانس در تعارض بودند [پاکباز، ۱۳۷۹: ۵۴۴ و ۵۴۳].

بر این مینا، منزیت‌ها هر کدام شکل‌هایی را از هنر کلاسیک و رنسانس اقتباس کردند، لیکن مبالغه در بیان احساسات، پویایی فزونی یافته، رنگ‌های شدید و اعوجاج اندام و اجزاء جایگزین ویژگی‌های هنر رنسانس شد. از آن‌جا که منزیت تقریباً فقط به فیگور انسانی می‌پرداخت، اندام و اجزاء آن، جایگزین ویژگی‌های هنر رنسانس شد.

متداول‌ترین بیان آن به صورت نقاشی‌هایی بود که در آن‌ها چند فیگور، حالتی از رقص یا پانتومیم (لال بازی) پیچیده و بغرنج را به بیننده القا می‌کردند

«منزیتسم» (شیوه‌گرایی) اصطلاحی است که از سده‌ی هفدهم در هنر و ادبیات رایج شد و به تدریج به کار بست تصنعی، افراطی و تظاهرآمیز شگردهای هر سبک هنری اطلاق گردید. البته دلالت خاص آن به نقاشی، پیکره‌سازی و معماری ایتالیایی، در فاصله‌ی زمانی میان اوج رنسانس و باروک، محدود می‌شود. هم‌چنین، این اصطلاح را برای توصیف برخی گرایش‌های مهم هنر اروپایی پس از مرگ رافائل (۱۵۲۰) تا پایان سده‌ی شانزدهم به کار می‌برند [پاکباز، ۱۳۷۹: ۵۴۳].

منزیتسم در معنای وسیع ترش، به هنر هر مکان و زمانی که مشخصاتی مشابه با مشخصات «طرح و اساری» داشته باشد، اطلاق می‌شود. با این حال، استفاده از این اصطلاح بدین مفهوم، به دلیل تعصب همیشگی نسبت به هنر سده‌ی شانزدهم ایتالیا بی‌اثر شده است. از سده‌ی هفدهم نایغه‌ی اول سده‌ی بیستم، هنر ایتالیایی دوره‌ی مورد بحث را (به استثنای نقاشی ونیزی) نوعی انحطاط و نزول از اوج هنر کلاسیکی که با میکلا آنژ در سقف نمازخانه‌ی سیستین و رافائل در استازای واتیکان حاصل شد، می‌دانستند [چیلوز، ۱۳۸۰: ۱۶۵].

بسیاری از هنرمندان نسل بعد، در ترکیب‌بندی نالستوار، کثرتنمایی‌های بیانگر، و حالت‌های عاطفی پیکره‌های